

## پس از توافق

### نویسنده: نادر فتوره‌چی

در حالی که دولت حسن روحانی و دستگاه‌های تبلیغاتی وابسته به آن ادعا می‌کنند که در صورت توافق اتمی ایران با قدرت‌های جهانی، ایران وارد یکی از دوره‌های شکوفایی اقتصادی خود خواهد شد، بررسی قوانین، احکام و رویه‌های به کارگرفته شده در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ایران خود را برای تجربه‌ای آماده می‌کند که هم اکنون اتحادیه اروپا، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به واسطه نتایج سیاسی-اجتماعی و اقتصادی فاجعه‌بار آن در کشورهای «جنوب» اروپا هم‌چون یونان، اسپانیا و... به فکر راهی برای خروج از منجلاب آن هستند: اعمال شدیدترین و هارترین سیاست‌های نئولیبرالیستی از طریق خصوصی‌سازی و سلب مالکیت پیاپی و تحمیل ریاضت اقتصادی به شهروندان آن‌هم در کنار تزریق پایان‌ناپذیر ترس از هرگونه تغییر یا حتی اصلاح وضع موجود که در اروپا پیامدی جز بازگشت گفتار چپ به عرصه رسمی نداشته است. تفاوت وضعیت ایران با اروپا اما بیش از این‌هاست. در ایران نه تنها گفتار چپ به واسطه محافظه‌کاری شدید طبقه بورژوا و علایق مشترک فرهنگی‌اش با ایدئولوژی غالب هرگز دست بالا را پیدا نمی‌کند، سیاست‌های نئولیبرالیستی تنیده در استبداد دولتی نیز هیچ‌وقت به صورت رسمی و با نام‌های واقعی‌شان اعلام نمی‌شود. آن‌ها نام‌های موجه و شیکی دارند: «سپردن امور به دست مردم»، «طرح تحول اقتصادی»، «چابک‌سازی دولت» و ... که بعضاً بی‌سر و صدا و در حد یک بخش‌نامه عادی و روزانه دولتی به قوانین پایین دستی و رویه‌های بروکراتیک تزریق می‌شوند و بعید است که در فقدان یک نیروی اجتماعی-سیاسی کارآمد، آن‌هم در شرایطی که تمامی عرصه‌های اطلاع‌رسانی توسط روزنامه‌نگاران دست‌راستی، فعالان و راج بخش خصوصی، کارمندان سیاسی حکومت و «کارشناسان» کارتل‌های رسانه‌ای مشکوک یا به‌قول یکی از روشنفکران در تبعید، «فرهنگی‌کاران امنیتی» اشباع شده، به گوش امیدواران مجهز به «حق رای» برسد، یا حتی اگر برسد از آن‌ها و صندوق‌ها کاری ساخته باشد.

به موازات اعمال تحریم‌های بین‌المللی از سال 2006 تاکنون، ایران عمدتاً از طریق دو عامل گسترش فساد اقتصادی (اختلاس، کلاهبرداری و رانت خواری) از یک‌سو و شدت بخشیدن به سیاست خصوصی‌سازی از سوی دیگر، شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین فرآیندهای «انباشت اولیه سرمایه» و ساخت «طبقه حاکم» در سده‌های اخیر در جهان بوده است.

بدیهی‌ست که بر اساس ساختار سیاسی ایران، داده‌های شفاف و دست‌کاری نشده‌ای درباره جزئیات آمار و ارقام فرآیند انباشت اولیه از ابتدای روی کارآمدن دولت هاشمی رفسنجانی تاکنون در دست نباشد، اما با این حال براساس اطلاعات جسته و گریخته‌ای که مقامات و نهادهای رسمی حکومت به‌واسطه رقابت‌های درون حکومتی به بیرون درز داده‌اند، ما هم اکنون می‌توانیم مسیر کلی این فرآیند را ترسیم کنیم:

## الف - خصوصی سازی

آن طور که از گزارش اخیر سازمان خصوصی سازی [1] پیداست، انباشت سرمایه و ساخت طبقه حاکم از طریق سلب مالکیت، با انتقال 136 هزارمیلیارد تومان سرمایه ملی به «بخش خصوصی» همراه بوده که 103 هزار میلیارد تومان از این رقم به بخش «شبه دولتی» واگذار شده است. این رقم قطعاً دست کاری شده و غیرواقعی است و تردیدی وجود ندارد که حجم دارایی انتقال یافته به معتمدان، هم پیمانان و بستگان هیات حاکمه بیش از این حرف‌هاست.

با این حال، به استناد همین گزارش، سهم دولت محمود احمدی نژاد از همه دولت‌های قبل و بعد در اجرای این سلب مالکیت پررنگ‌تر است. او مامور اجرای نزدیک به 70٪ پروژه خصوصی سازی در طی 8 سال زمامداری اش بوده به طوری که 122.7 هزار میلیارد تومان از رقم کل آن در دوران وی صورت گرفته است.

به استناد گزارش سازمان خصوصی سازی، از مجموع 122.7 هزار میلیارد تومان دارایی عمومی سلب مالکیت شده در دوران احمدی نژاد، بیش از 34.2 هزار میلیارد تومان در قالب «سهم عدالت» بوده که بیش از 27.8 درصد را شامل می‌شود. بیش از 30.4 هزار میلیارد تومان از واگذاری‌ها نیز به نهادهای عمومی غیردولتی و بابت رد دیون دولت بوده است که 24.8 درصد از کل واگذاری‌ها را در برمی‌گیرد و 47.4 درصد واگذاری‌ها نیز رسماً و بدون هرگونه پرده پوشی به شبه دولتی‌ها بوده است. به این ترتیب در این بازه زمانی، سهام 542 شرکت به بخش شبه دولتی، سهام 169 شرکت بابت رد دیون به بخش عمومی غیردولتی (بنیادها و آستان‌ها) و سهام 56 شرکت نیز به طرح سهام عدالت تعلق گرفته است.

جالب آن‌جاست که دولت حسن روحانی در همان بدو امر به شیوه خصوصی سازی و سلب مالکیت در دوران محمود احمدی نژاد اعتراض و اعلام کرد که برای جلوگیری از ادامه روند خلع ید از مردم به نفع رانت‌خوارانی که خود را «کارآفرین» معرفی می‌کنند، فرآیند خصوصی سازی را تا زمان یافتن «راه حل مناسب» اجرای آن متوقف خواهد کرد. این ادعا در حالی است که به استناد گزارش اخیر سازمان خصوصی سازی، دولت حسن روحانی نه تنها واگذاری به شبه دولتی‌ها را متوقف نکرده، بلکه 36 درصد از کل واگذاری‌ها نیز سهم دولت یازدهم بوده است.

## ب - اختلاس، کلاهبرداری و رانت

دولت محمود احمدی نژاد در فاصله سال‌های 84 تا 91، 864 میلیارد دلار درآمد داشته که این رقم از محل اخذ مالیات، اوراق مشارکت، صادرات نفت خام و خصوصی سازی بوده است [2]. از این رقم، سهم فروش نفت خام یعنی اصلی‌ترین منبع درآمدی ایران، 578 میلیارد دلار بوده که گفته می‌شود معادل نیمی از کل درآمدهای نفتی ایران از بدو حفر اولین چاه نفت بدین سو است، و البته ظاهراً آن طور که سخنگوی دولت یازدهم می‌گوید «خورده شده است» [3].

پرونده‌های اختلاس 3000 میلیارد تومانی بانک صادرات، کلاهبرداری 94000 میلیارد تومانی شرکت پدیده شانديز و اقمارش، اختلاس 12000 میلیارد تومانی از منابع بانکی و گمرکی، بدهی 9000 یا 15000 میلیارد تومانی بابک زنجانی به وزارت نفت، اختلاس 1700 میلیارد تومانی در بنیاد شهید، اختلاس 1780 میلیارد تومانی در شرکت ملی مس، وام بی بهره 6500 میلیارد تومانی به صاحب گروه صنعتی «ص»، خروج 22 میلیارد دلاری درآمد نفتی ظرف 17 ماه از کشور، اختلاس 1000 میلیارد تومانی در سازمان تامین اجتماعی، اختلاس 7000 میلیارد تومانی سه صرافى در دبی و البته رقم هولناک 200 هزار میلیارد تومان بدهی بانکی 575 نفر و ... تنها بخشی از حکایت یکی از بی سابقه‌ترین غارت‌های سازمان یافته در طول تاریخ است.

ارقام موجود در بندهای «الف» و «ب» نشان می‌دهد که دولت احمدی‌نژاد از طریق این دو اقدام، دست‌اندرکار ساخت یک طبقه اقتصادی-اجتماعی جدید در ایران بوده است؛ طبقه‌ای که بر اساس آموزه‌های اقتصاد سیاسی، عنوانی جز «طبقه حاکم» شایسته آن نیست و حال پس از انباشت اولیه سرمایه، گرایش سیاسی خود را بر ایدئولوژی رسمی حاکمیت تحمیل می‌کند. این طبقه مایل است تا از طریق رسیدن به توافق اتمی با قدرت‌های جهانی، سهمی در بازار سرمایه جهانی به دست آورد. آن‌ها هم اکنون به لطف خصوصی‌سازی و رانت از یک سو و اعمال سیاست مخدوش‌سازی آمارها و نازل نگه‌داشتن ارزش پول ملی، شرایط لازم برای حضور در عرصه اقتصاد جهانی را دارند. به این معنا موافقت تمامی شرکای سیاسی در ساختار قدرت مستقر برای بر سر کار آمدن دولت «اعتدالی» که بتواند ماموریت «توافق» را به سرانجام برساند، حکایت از آن دارد که قرار است پس از توافق اتمی، سرمایه انباشت شده در سال‌های اخیر در تقسیم کار جهانی سرمایه به گردش درآید و «رانتخواران» را به «کارآفرین» موجه و معتبر و ای بسا محبوب تبدیل کند.

دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی، از یک سو هم میراث‌دار این غارت است و هم مأمور به چرخش درآوردن آن. میراث و ماموریتی که این مزیت را به دولت «تدبیر و امید» بخشیده که هرکجا که از توان حاکمیتی برای سلب مالکیت از مردم گام بر می‌دارد، آن را به گردن «دولت‌های قبلی» و «تحریم» بیاندازد و بدون آن که متهم به «مدیریت هدفمند انباشت اولیه» شود، چهار نعل به سمت بازار جهانی بتازاند. با این حال، «سیاست تقصیر» مانع از اجرای تام‌وتمام سیاست اصلی یا همان «اقتصاد بازار» اما با اسم مستعار «اقتصاد مقاومتی» نبوده است. بررسی قوانین، رویه‌ها و اقدامات دولت اعتدال‌گرای حسن روحانی نشان می‌دهد که او پروژه‌ی نولیبرالیستی آغاز شده در اواسط دهه 70 را موبه‌مو پیگیری کرده و هم‌اکنون از طریق دست‌یابی به توافق اتمی می‌کوشد تا افکار عمومی مستأصل را برای جهش بعدی طبقه حاکم یعنی ورود به چرخه اقتصاد جهانی هر لحظه آماده تر و مشتاق تر کند.

بر اساس سندی که با عنوان «بسته خروج از رکود تورمی» در ابتدای روی کار آمدن دولت یازدهم و با همکاری «بر و بچه‌های اتاق بازرگانی و معادن ایران» منتشر شد، «تثبیت وضعیت اقتصاد کلان» و «بهبود فضای کسب و کار» به‌عنوان دو «راهکار» اصلی خروج از وضع موجود در دستور کار قرار گرفت و «مدیریت کارآمد» نیز شرط ضمانت اجرایی آن شد. «کارشناسان» معتمد بازار نیز یک‌پارچه در رسانه‌ها به تعریف و تمجید از این «راهکار»ها پرداختند و با برجسته کردن شعار و ادعای «بازگشت مدیریت کارآمد»، وعده دادند که به زودی و با حال مناقشه اتمی، ایران به «بهشت کارآفرینان» تبدیل خواهد شد.

این باندهای راتی-رسانه‌ای که البته با عناوینی چون «کارشناس اقتصادی»، «اقتصاددان»، «استاد دانشگاه»، «روزنامه‌نگار اقتصادی» و «فعال و کارآفرین» - و البته همه هم با پسوند «برجسته»- در بین افکار عمومی پرسه می‌زنند، هرگز حاضر نشدند امکان طرح این پرسش را از سوی منتقدان فراهم کنند که «مدیریت کارآمد به نفع چه کسی؟» با این حال «بسته خروج از رکود تورمی» خود تا حدی به این پرسش پاسخ داده بود: کارآفرینان!

بعدتر نیز در اسناد و بحث‌های پیرامون بودجه 93 و قوانین بودجه 94، مشخص شد که تلاش برای تبدیل ایران به «بهشت کارآفرینان» تنها از طریق رعایت استانداردهای مورد قبول بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول امکان پذیر است: آزادسازی قیمت‌ها با نام جعلی «اصلاح قیمت» و اعمال سیاست‌های توانفرسای ریاضتی و مالیاتی به بهانه‌ی تحریم و رکود. حسن روحانی با وعده «بهبود وضعیت معیشتی مردم» بر سر کار آمد، اما در بسته خروج از رکود تورمی‌اش، وعده‌ای دیگر به عده‌ای دیگر داد: تثبیت وضعیت اقتصاد کلان و بهبود فضای کسب و کار برای کارآفرینان.

ماموریت دولت یازدهم برای وصل کردن شرکای سیاسی-طبقاتی‌اش به لیگ سرمایه جهانی، بر سه محور عمده زیر استوار است:

### (1) - مدیریت انباشت اولیه با نام «تثبیت اقتصاد کلان»

دولت یازدهم نام «مدیریت انباشت اولیه»‌ای که در دوران محمود احمدی‌نژاد و قبل از آن صورت گرفته را «تثبیت اقتصاد کلان» گذاشته است. در «بسته خروج از رکود تورمی» دولت آمده است: «یکی از محورهای برنامه خروج از رکود، مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد کلان است زیرا سیاست‌های اقتصاد کلان در کنار بهبود شرایط محیط کسب‌وکار بعنوان شروط لازم تحقق سیاست‌های تدوین شده برای تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن برای تحرک بخش‌های پیشران و توسعه صادرات تلقی می‌شوند...مجموعه مسائل را می‌توان در دو عبارت «محیط نامساعد کسب و کار» و «شرایط بی ثبات اقتصاد کلان» خلاصه نمود. بخش عمده‌ای از این دو سرفصل اصلی، مسائل مستمر و بلندمدت اقتصاد کشور هستند که طبیعتاً در اثر سیاست‌های نادرست اعمال شده در فاصله سال‌های 1385 تا 1390 و نهایتاً شرایط سال‌های 1391 و 1392 تشدید شده‌اند.» [4]

این عبارات، تکرار همان بازی دوران تبلیغات انتخاباتی و لحظه‌ی برساخته شدن «وجدان اعتدالی» [5] است؛ این که مجموعه مشکلات موجود در وضعیت «رکود تورمی» ناشی از عملکرد ضعیف دولت‌های نهم و دهم و البته فشار فزاینده تحریم‌های بین‌المللی بوده و دولت قصد دارد با «مدیریت کارآمد» از یک سو، و حل و فصل مناقشه اتمی با غرب و لغو تحریم‌ها از سوی دیگر، به دو هدف ذکر شده در بالا یعنی «تثبیت اقتصاد کلان» و «بهبود فضای کسب و کار» دست یابد.

متن بسته پیشنهادی دولت از طریق غیاب برخی گزاره‌ها قابل رمزگشایی است. این سند که در فرم کلی شبیه گزارش‌های کلاسی دانشجویان مقطع کارشناسی درباره کتاب‌های درسی اقتصاد کلان است، آن قدر با عجله و شتابزده نوشته شده که حتی فراموش شده برای حفظ ظاهر هم

که شده از واژه «عدالت» دست کم به شیوه محمود احمدی نژاد استفاده تبلیغاتی شود. در کل 32 برگ انشای اقتصادی دولت یازدهم، تنها یکبار از واژه «عدالت» استفاده شده است: «تسویه بدهی های دولت از طریق ایجاد صندوق قابل معامله سهام عدالت».

از قضا، این غیاب را باید جزو نقاط قوت این متن دانست چراکه فاجعه به بار آمده از سوی آخرین دولتی که از این واژه برای پیشبرد سیاست های پوپولیستی اش استفاده کرد، پیش چشم ماست. به این معنا شاید بتوان از کنار گذاشته شدن تعارف و رودربایستی با مردم به واسطه حذف ریتوریک نخنمای عدالت خواهی دولت های دست راستی استقبال کرد.

سوی سرنوشت واژه ی «عدالت»، تکلیف واژه ی «مردم» نیز در این سند به طور کامل مشخص شده است: عدم اشاره به آن حتی برای یک بار.

به موازات غیاب این واژگان، این سند مملو از کلید واژه هایی است که عطش دولت، طبقه حاکم و «بروبچه های اتاق» را برای پیوستن به لیگ سرمایه جهانی، واضح تر از همیشه نشان می دهد: بانک 105 بار، سرمایه 70 بار، کارآفرین 11 بار، بنگاه 53 بار، رشد 17 بار و ... همه این ها اما در برابر انکار مطلق و نادیده گرفتن کامل لزوم بازپس گیری یا حتی گرفتن ژست اراده به بازپس گیری 720 میلیارد دلار درآمد نفتی طی سال های 84 تا 92 که به گفته معاون اول دولت حسن روحانی «هیچ اثری از آن باقی نمانده» (6)، گویا نیستند.

در سند دولت حتی یکبار هم به «رانت» اشاره نمی شود، حال آن که رئیس دولت، معاون اول، سخن گو، وزیر اقتصاد و ... دست کم ماهی یکبار در سخنرانی ها و همایش ها به «رانت و انحصار» به عنوان معضلات اصلی اقتصاد ایران اشاره می کنند. نسخه ی موجود، مشی دولت حسن روحانی در اجرای هدف اول یعنی «تثبیت وضعیت اقتصاد کلان» را علی رغم انکار و درز گرفتن فرآیند سلب مالکیت عمومی و فساد اقتصادی سازمان یافته به خوبی نشان می دهد: لفاظی، بازی با کلمات، تغییر معانی آن ها و عدم اشاره به واقعیت ها آن هم ذیل دال توجیه گری به نام «اعتدال».

حتی اگر بپذیریم که دولت حسن روحانی قصد «بهبود وضعیت اقتصادی مردم» را دارد، چگونه این بهبود را با درز گرفتن غارت سازمان یافته دوران احمدی نژاد، و نادیده گرفتن پروژه ی ساخت طبقه حاکم انجام خواهد داد؟

تنها بدین صورت: این که ما با ذهنیتی سراپا «خیال پرداز» بپذیریم که دولت «خیرخواه» مان - که در ایران تنها بخش محدودی از قدرت اجرایی و بروکراتیک را در اختیار دارد - باردیگر بتواند به درآمدی معادل ارقام تاراج شده دست یابد و بدون ذره ای دخل و تصرف شخصی و رانتی، آن را صرف امور زیربنایی و دیگر کلمات قشنگ گفتار «توسعه» یعنی «اشتغال» و «تولید» و ... کند.

دولت اما ابداً چنین قصدی ندارد؛ قصد دولت در خوشبینانه ترین حالت، ایجاد بستر مناسب برای به گردش درآوردن دارایی های به دست آمده در پروژه انباشت سرمایه دولت احمدی نژاد به نفع طبقه حاکم است و نام این پروژه را «تثبیت اقتصاد کلان» گذاشته است؛ حال آن که نام واقعی اش «پولشویی» است.

نویسندگان سند اقتصادی دولت، نیت شان را کم و بیش در بخش هایی ب نام «سیاست ها»، در متن «بسته خروج از رکود تورمی» انشاء و خلاصه کرده اند، اما برای هر کدام نامی به غیر از نام اصلی برگزیده اند. برای نمونه، سیاست نئولیبرالی «کاهش هزینه های جاری دولت» یا

همان کاهش تعهدات دولت‌های رفاه به برنامه‌های خدمات عمومی نظیر درمان، بهداشت، آموزش و ... «عدم افزایش بدهی بخش دولتی به بانک مرکزی» و «چابک‌سازی دولت» نام‌گذاری شده اند. جالب آن‌که دولت در بخش «سیاست‌های پولی» در سیاست «1-1» خواستار «مدیریت و کاهش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و جلوگیری از اضافه برداشت بانک‌ها» شده، حال آن‌که بدهی اشخاص حقیقی یا همان کارآفرین/رانت‌خواران عزیز به بانک‌ها در طی دوسال عمر گفتار- وضعیت اعتدال حتی یک ریال تغییر نکرده و با وجود تهیه لیست‌های 40 نفره و 100 نفره و 500 نفره، هنوز هم که هنوز است، همان 200 هزار میلیاردی است که دولت اصرار دارد بگوید فقط 85 هزار میلیارد تومان است! [7] بد نیست این را هم بدانیم که کل یارانه‌ی دولت در بودجه سال 94 برای «بخش تولید» که قاعدتاً باید عامل اصلی خروج از وضعیت رکود تورمی باشد، تنها 5200 میلیارد تومان است؛ رقمی که با احتساب پرداخت 1200 میلیاردی یارانه‌ی تولید در سال 93 [8]، هنوز به عدد وامی که بدون وثیقه به مدیر صنایع پروفیل «ص» واگذار شده و در ردیف «معوقات بانکی» قرار گرفته، نمی‌رسد. [9]

## (2) - اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی و آزادسازی قیمت‌ها

تمامی دم‌دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت ایران شبانه‌روز درباره «معایب» اجرای طرح هدف‌مندی یارانه‌ها داد سخن می‌دهند. مخاطب آنان اما نه «مردم» که بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول است.

به ادعای مقامات دولتی و نمایندگان مجلس، دولت در دو سال مالی‌ای که از عمر کابینه حسن روحانی می‌گذرد، گرفتار پرداخت یارانه نقدی به شهروندان به مبلغ 80 هزار میلیارد تومان یا به یک معنا کمتر از نیمی از بدهی‌های بانکی، یا یکی از پرونده‌های اختلاس (مثلاً 94 هزار میلیاردی پدیده شان‌دیز) بوده است، حال آن‌که قرار است در سال 94 همین میزان تعهد مالی را نیز به بهانه اجرای قانون « طرح تحول اقتصادی» در چند مرحله از دوش خود بردارد؛ چراکه دولت مدعی‌ست یارانه نقدی فشار طاقت‌فرسایی به بودجه عمرانی وارد کرده است. بله! اما هیچ یک از این «کارشناسان» و «خیرخواهان» و «خادمان ملت» درباره فشار طاقت‌فرسایی که مردم از آزادسازی قیمت‌ها متحمل شده‌اند، دم نمی‌زنند. بماند که گاهی برای تسویه حساب‌های بانکی-جنایی چنین آمار دهشتناکی به بیرون درز می‌دهند و یا در آستانه انتخابات ژست اپوزیسیون می‌گیرند: 50 درصد مردم دچار کمبود مواد غذایی و 30 درصد گرفتار گرسنگی سلولی هستند [10]، 5 دهک از جامعه ایرانی دچار سوء‌تغذیه و 2 دهک گرفتار پرخوری‌اند [11]، 25 درصد از مردم ایران زاغه‌نشین شده‌اند [12] و...

دولت اما مأموریت دیگری دارد: «چابک‌سازی» و خلاصی از شر تعهداتی که «طرح تحول اقتصادی» برای پنج سال بر عهده‌اش گذاشته است. در بسته خروج از رکود تورمی، «حذف تدریجی قیمت‌گذاری دولتی تا پایان سال 1393 به غیر از کالاهای اساسی و انحصاری» به‌عنوان یکی از «سیاست‌ها» ذکر شده است. این همان بخشی است که میرزا بنویس‌های حامی دولت در کارتل‌های مطبوعاتی به آن می‌گویند: «اصلاح قیمت»، جالب آن‌جاست که این «اصلاح» همواره با «افزایش» پیوند دارد.

منظور از اصلاح قیمت را درباره‌ی کالاهای اساسی و انحصاری در جدول زیر به خوبی می‌توان مشاهده کرد:

کالاهای انحصاری	افزایش نرخ رسمی
برق*	۳۰٪
نان	۳۰٪
آب	۲۵٪
نرخ حمل و نقل با تاکسی	۳۰٪
نرخ حمل و نقل با اتوبوس	۲۰٪
نرخ حمل و نقل با مترو	۱۲٪
سلامت و درمان	۳۱٪
تلفن همراه	۲۰٪

افزایش میانگین 30 درصدی کالاهایی که تا پیش از طرح هدف‌مندسازی یارانه‌ها در ایران مشمول حمایت‌های دولتی بودند، تنها بخشی از اعمال سیاست‌های ریاضتی بر شهروندان است.

دولت به دلیل افت بیش از پیش‌بینی درآمدهای نفتی‌اش از اواسط سال 93، با دو سیاست دیگر، سعی در جبران کسری بودجه خود دارد:

- تثبیت قیمت ارز
- افزایش درآمدهای مالیاتی

هر دوی این سیاست‌ها از سوی حامیان اقتصادی دولت از جمله «مزیت»‌های دولت تدبیر و امید محسوب می‌شوند. اما اگر این سیاست‌های به ظاهر «خوب» را تنها با افزودن پرسش‌هایی ساده به شکل زیر بازنویسی کنیم، معانی واقعی آن‌ها مشخص‌تر خواهند شد:

### تثبیت قیمت ارز بر پایه چه نرخی و با چه هدفی؟

پاسخ سوال اول را دولت یازدهم در همان هفته‌های پرشور و هیجان ابتدای روی کار آمدن‌اش داد. رئیس بانک مرکزی که تا پیش از این سمت در امارات زندگی می‌کرد و همان فردی‌ست که اولین پرونده مشهور اختلاس پس از انقلاب (اختلاس 123 هزار میلیاردی فاضل خداداد و مرتضی رفیق‌دوست) در زمان ریاست او بر بانک صادرات صورت گرفت [13]، بلافاصله در بدو ورود به ساختمان بانک مرکزی، قیمت 3200 تومان را برای دلار «خوب» و «واقعی» دانست [14]. جالب آن‌که در هفته‌های منتهی به توافق اتمی نیز «برو بچه‌های اتاق» سرآسیمه در سایت‌های حکومتی از احتمال افت قیمت دلار و ضرر ناشی آن بر صادرات (کدام صادرات؟) ابراز نگرانی کردند [15].

رئیس بانک مرکزی و شرکاء، بر سیاستی پا می‌فشارند که تا پیش از این، تمامی منتقدان احمدی‌نژاد آن را عامل تباهی زندگی جمعی ایرانیان در فاصله سال 89 تا 92 می‌دانستند؛ سال‌هایی که واردات کالاها و خدمات لوکس به ایران به رقمی معادل 511.3 میلیارد دلار رسید.

معنای حرف آقای رئیس چیست؟ نرخ باید بالای 3000 تومان بماند تا علاوه بر حفظ جذابیت واردات برای «برو بچه‌های اتاق» و «برادران قاچاقچی»، نیروی کار ایران در بازاری جهانی روز به روز از طریق پیگیری سیاست یکسان سازی نرخ ارز، ارزان‌تر شود. جداول زیر گویای آن است که چرا شرکت‌های بین‌المللی و چند ملیتی، از هم اکنون و پیش از آن که توافق اتمی به صورت رسمی اعلام شود، نسبت به راه اندازی خطوط تولیدشان در داخل خاک ایران به محض برداشته شدن تحریم‌های بین‌المللی ابراز تمایل و آمادگی کرده‌اند.

مخرج مشترک این جداول، چیزی نیست جز سقوط ارزش کالایی به نام «کار» که تنها «سرمایه» نیروی کار محسوب می‌شود.

#### جدول مقایسه ای سقوط ارزش نیروی کار از سال 89 تا 94

سال	نرخ دلار بازار آزاد	حداقل دستمزد به ریال	حداقل دستمزد به دلار	حداقل دستمزد به دلار (روزانه)
۱۳۸۹	۱۱۰۰	۳۰۳۰۰۰۰	۲۷۵,۴	۶
۱۳۹۰	۱۹۰۰	۳۳۰۳۰۰۰	۱۷۳,۸	۵,۷
۳۹۱	۳۵۰۰	۳۸۹۷۰۰۰	۱۱۱,۳	۳,۷
۱۳۹۲	۳۰۰۰	۴۸۷۱۴۵۰	۱۶۲,۳	۵,۴
۱۳۹۳	۳۱۳۰	۶۰۸۹۰۰۰	۱۹۴,۵	۶,۴
۱۳۹۴	۳۲۰۰	۷۱۲,۴۱۳	۲۱۵,۸	۷,۱

جدول مقایسه‌ای حداقل دستمزد در 16 کشور به دلار



کشور	حداقل مزد به دلار	حداقل مزد به ریال
ایران	۱۹۴,۵	۶۰۸۹۰۰۰
عراق	۳۰۰	۹۳۹۰۰۰۰
اردن	۲۶۸	۸۳۸۸۴۰۰
قزاقستان	۱۱۶	۳۶۳۰۸۰۰
کویت	۲۱۶	۶۷۶۰۸۰۰
مالزی	۲۹۴	۹۲۰۲۲۰۰
نیجریه	۱۱۵	۳۵۹۹۵۰۰
پاکستان	۸۲	۲۵۶۶۶۰۰
برونئی	۷۲۵	۲۲۶۹۲۵۰۰
روسیه	۱۵۲	۴۷۵۷۶۰۰
عمان	۸۰۰	۲۵۰۴۰۰۰۰
ترکمنستان	۱۷۵	۵۴۷۷۵۰۰
انگلستان	۹۸۳	۳۰۷۶۷۹۰۰
ترکیه	۵۴۳	۱۶۹۹۵۹۰۰
سوریه	۱۷۶-۲۶۶	۸۳۲۵۸۰۰
لبنان	۴۵۰	۱۴۰۸۵۰۰۰

جداول فوق نشان می‌دهند که کارگران ایرانی در فاصله سال‌های 89 تا 93 که قیمت ارز ناگهان از 1000 تومان به دست کم سه برابر افزایش یافت، روزانه میانگین 6 دلار دستمزد دریافت کرده‌اند. رقمی که اگر موانع سرمایه‌گذاری ناشی از تحریم‌ها در طی ماه‌های آینده برداشته شود، بی‌تردید کمپانی‌های بین‌المللی را برای راه‌اندازی خطوط تولید در ایران ترغیب خواهد کرد.

برای نمونه، شرکت «سامسونگ» که به لطف روابط حسنه از زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی تا کنون، بازار مصرف محصولات خانگی در ایران را در انحصار خود دارد، از هم‌اکنون به صرافت افتاده تا با توجه به ارزان شدن نیروی کار و وجود 7 و نیم میلیون لشکر ذخیره بیکاران در ایران، «پس از توافق اتمی» خطوط تولید خود را برای مصرف طبقه حاکم و بورژوازی به داخل منتقل کند و هزینه تولید را به میانجی نیروی کار روزی 6 دلار، کسر هزینه حمل و نقل و گمرکات و ... کاهش دهد [16].

### افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق دریافت مالیات از چه کسانی؟

در خلال مذاکرات رئیس سازمان توسعه تجارت دولت یازدهم با هیات دیپلماتیک-اقتصادی کره جنوبی، نماینده سامسونگ به نکته‌ای اشاره می‌کند که چشم‌انداز سیاست‌های اقتصاد ایران را در پرتو نزول بازگشت ناپذیر قیمت نفت، تا حدی روشن می‌کند: «حضور ما در ایران باید بر

اساس قوانین مالیاتی با ثبات باشد» [17] بله! با ارزان شدن نیروی کار در ایران، مسئله اصلی برای سامسونگ «مالیات» است؛ مسئله افزایش درآمدهای مالیاتی دولت. نماینده سامسونگ می‌داند که با توجه به این که امریکا از سال 2014 ناگهان از یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان نفت، به بزرگترین تولیدکننده تبدیل شد و این بدان معناست که قیمت نفت دیگر هرگز به مرز 100 دلار باز نخواهد گشت، دولت ایران که اراده‌ای برای بازپس‌گیری سرمایه ملی به تاراج رفته ندارد، ناچار خواهد بود تا برای تامین هزینه‌های خود سیاست‌های افزایش خراج و مالیات را بر اساس استانداردهای صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، جایگزین خلاء مالی و پولی گسترده‌ای کند که امکان استقراض‌های احتمالی آتی ایران از این دو نهاد بین‌المللی را کم رنگ خواهد کرد.

دولت حسن روحانی، مجموعه‌ای از اقدامات ضربتی را برای افزایش درآمدهای مالیاتی خود در طی همین مدت به کار بسته است. بر اساس آمارهای موجود، درآمدهای مالیاتی دولت در سال 93، 17 درصد نسبت به سال پایانی دولت محمود احمدی‌نژاد رشد داشته و دولت در لایحه بودجه سال 94، رشد 23 درصدی درآمدهای مالیات را پیش‌بینی کرده است که برای تحقق این رقم، افزایش مالیات به حدود 30 درصد خواهد رسید. [18]

این تصمیم به خوبی خود را در افزایش مالیات تضمینی مشاغل از 18 درصد در سال 93 به 22 درصد در سال 94 نشان می‌دهد. [19] آن‌طور که دولت در لایحه بودجه سال 94 پیش‌بینی کرده، قرار است درآمدهای مالیاتی از مزدبگیران، از 3600 میلیارد تومان در سال 93، به 3780 میلیارد تومان در سال 94 برسد.

دولت بیشترین فشار را بر گروه‌هایی از جامعه وارد می‌آورد که می‌داند سازوکار درآمدی آن‌ها به خود این نهاد وابسته است: کارگران و کارمندان. علاوه بر کسر نزدیک به یک چهارم از درآمد ماهانه کارگران و کارمندان، توافق «عرفی» دولت و بازار مبنی بر اخذ «مالیات بر ارزش افزوده» از مصرف‌کنندگان، فشار بیشتری را به گروه‌های موسوم به «آسیب‌پذیر» وارد کرده است.

حکومت ایران در لایحه برنامه پنجم توسعه خود دست به درآمذزایی تازه‌ای زد. بر اساس این قانون بالادستی، قرار شد که به‌طور «آزمایشی» سالانه درصدی از هر تراکنش مالی بین خریدار و فروشنده در قالب «مالیات بر ارزش افزوده» به جیب دولت سرازیر شود. فروشندگان و بازاریبان از همان ابتدا با پرداخت این مالیات مخالفت کردند و از آن‌رو که هم به‌لحاظ سیاسی از جمله متحدان حکومت به حساب می‌آمدند و هم بر خلاف مزدبگیران، از اتحادیه‌های پرنفوذ برخوردار بودند، از پرداخت سهم خود از این مالیات معاف شدند و به شکل غیرقانونی مازاد قیمت مالیات بر ارزش افزوده را بر روی اجناس و کالاها کشیدند و سهم خود را از جیب مصرف‌کنندگان پرداخت کردند. [20] ارقام افزوده شده به قیمت کالاها در سال‌های اولیه اجرای این قانون «آزمایشی» (سال 89، 3 درصد و سال 90، 4 درصد) چندان محسوس نبود که موجب بروز تنش میان خریداران و فروشندگان شود. اما در نهایت با افزایش این نرخ تا سقف 8 درصد در سال‌های بعد، و پس از آن‌که فروشندگان از پرداخت سهم خود سر باز زدند، بروز برخی ناآرامی‌ها در بازار طلا، به نفع فروشندگان تمام شد و ماجرای اخذ کامل مالیات بر ارزش افزوده از خریداران جا افتاد و به روالی عادی تبدیل شد. همین «جافتادن» حالا موجب شده تا آن‌طور که رئیس سازمان امور مالیاتی

دولت حسن روحانی می‌گوید، دولت نتواند از 27 هزار میلیارد تومان درآمد سالانه خود از محل اخذ مالیات بر ارزش افزوده از شهروندان چشم‌پوشی کند و به مجلس قول داده تا پایان سال مالی 94، لایحه «دائمی» مالیات بر ارزش افزوده را به این نهاد ارائه کند. فشار مالیاتی شدید بر «دهک»‌های پایین و متوسط اجتماعی در ایران در حالی طی سال‌های روی کار آمدن دولت جدید افزایش یافته که حاکمیت از بیم بروز نارضایتی یا تمرد، در صدد تشکیل «پلیس مالیاتی» برآمده است. [21] در همین باره، چندی پیش «معاون پیش‌گیری از وقوع جرم قوه قضاییه» اعلام کرد که «در آینده نزدیک پلیس و دادگاه مالیاتی برای برخورد قاطع با افرادی که از پرداخت مالیات فرار می‌کنند، در دستگاه قضا تشکیل می‌شود».

با به کار بستن «سیاست مشت آهنین» برای اخذ خراج و مالیات، هم‌اکنون رئیس سازمان امور مالیاتی دولت روحانی می‌تواند با افتخار از اخذ بیش از 90 درصدی مطالبات مالیاتی سخن بگوید: «تا پایان بهمن ماه 1393، 52 هزار میلیارد تومان از درآمدهای مالیاتی وصول شده که این میزان به نسبت 11 ماهه سال 1392، 49 درصد افزایش داشته است. در برخی استان‌ها بیش از صد درصد درآمدهای مالیاتی تحقق یافته و در برخی استان‌ها هم زیر 90 درصد بوده اما به طور کلی 96 درصد درآمدها محقق شده است.» [22]

این فشارها در حالی است که نهادهای پرنفوذ، پردرآمد و قدرت‌مند اقتصادی وابسته به طبقه حاکم از جمله استان‌ها و بنیادها، کماکان از پرداخت هرگونه مالیاتی معاف هستند و حتی تقلاهای چندی پیش دولت و مجلس برای گنجاندن نام آن‌ها در فهرست شرکت‌های مکلف به پرداخت مالیات، ناگهان و بدون هرگونه توضیحی منتفی شد! [23]

### (3) - بهبود فضای کسب و کار

بخش دیگری از اجرای سیاست‌های نولیبرالیستی در ایران با اسم رمز «بهبود فضای کسب و کار» در جریان است. اسم رمزی که اگرچه دل بسیاری از صاحبان حق رأی را در انتخابات سال 92 به نفع حسن روحانی بود، اما سخت‌ترین برنامه‌ای است که حکومت ایران در مسیر ورود به اقتصاد جهانی، از سال‌ها قبل از روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، دست به کار اجرای «گام به گام» آن شده و «صد آفرین»‌های متعددی را از صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، شرکت‌های چند ملیتی و ... دریافت کرده است.

در زیر به برخی از معانی پنهان «بهبود فضای کسب و کار» اشاره می‌شود:

#### 3-1- تعلیق قانون کار به نام اجرای طرح «نظام استاد-شاگردی»

این طرح که حتی تشکل حکومتی مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران آن را «غیرانسانی و نواستعماری» می‌داند، از سال 91 و در دولت محمود احمدی‌نژاد به تمامی مراجع رسمی ذیربط ابلاغ شد. [24] به موجب این طرح، کارفرمایان می‌توانند به بهانه «تربیت شاگرد»، کارگرانی که در واحد اقتصادی آن‌ها فعالیت می‌کنند را دست‌کم به مدت دو سال از شمول قانون کار (پرداخت حداقل دستمزد، بیمه، سنوات، 44 ساعت حداکثر ساعت کار در هفته و...) خارج کنند. این طرح در سال اول ابلاغ آن و با وجود مخالفت‌های گسترده‌ای که از ناحیه جامعه کارگری در

ایران نسبت به آن ابراز شد، در دفاتر معاملات ملکی سراسر کشور به مرحله اجرا درآمد و با وجود آن که دولت از ارائه هرگونه آماری در خصوص تعداد نیروی کاری که ذیل این قانون مورد بهره‌کشی کارفرمایان قرار گرفته‌اند، خودداری می‌کند، برخی از منتقدان این طرح میزان افرادی که به جای «حقوق»، «شاگردانه» دریافت می‌کنند را بیش از 100 هزار نفر برآورد می‌کنند.[25]

دولت روحانی، با وجود انتشار ده‌ها نامه سرگشاده از سوی مجمع عالی نمایندگان کارگران و همچنین شکایت آن‌ها به دیوان عدالت اداری، هنوز حاضر به پس گرفتن این طرح ضدانسانی نشده و کماکان از «جنبه‌های مثبت» آن در «بهبود فضای کسب و کار» دم می‌زند. این قانون که به‌درستی «برده‌داری نوین» نام گرفته، یادآور ابلاغ آیین‌نامه «معافیت کارگاه‌های کوچک دارای کمتر از ده نفر کارگر از شمول برخی از مقررات قانون کارموضوع ماده (191) قانون کار هیات وزیران در جلسه مورخ 1381/10/29» در دولت اصلاح طلب محمد خاتمی است. قانونی که هنوز به قوت خود پابرجاست و می‌توان آن را پیش درآمد سیاست بهره‌کشی از نیروی کار از طریق «نظام نوین استاد-شاگردی» دانست.

### 3-2- تلاش برای تغییر ماده 7 قانون کار

در دی‌ماه سال 93، خیابان‌های منتهی به مجلس اسلامی ایران شاهد حضور کارگران معترضی بود که بر روی پلاکاردهای خود این شعار را نوشته بودند: «تغییر ماده 7 را متوقف کنید!». در آن روز قرار بود مجلس اسلامی با افزودن یک تبصره به ماده 7 قانون کار ایران که به مسئله قرارداد کارگر و کارفرما اشاره دارد، شرایطی را برای «کارآفرینان» فراهم کند که به استناد این ماده، تمامی قراردادهای سالیانه کارگران را به 30 روز تقلیل دهند. تبصره مجلس از این قرار بود: «قراردادهای با بیش از 30 روز باید بصورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار در اختیار طرفین قرار می‌گیرد باشد.» معنای این تبصره آن بود که قرارداد هایی که زیر 30 روز تنظیم شوند، مشمول قانون کار نخواهند بود و کارفرمایان می‌توانند برای فرار از «هزینه‌های تولید» قراردادهای موقت 29 روزه شفاهی با کارگران منعقد و در هر لحظه که اراده کردند، نیروی کار مازاد را اخراج کنند. تلاش برای تصویب این ماده اگرچه که به دلیل اعتراضات گسترده در رسانه‌ها به طور موقت مسکوت ماند، اما بخش دیگری از سمت و سوی اراده دولت در «بهبود فضای کسب و کار» را نشان می‌دهد.[26]

### 3-3- تغییر معیار تعیین خط فقر

دولت ایران از اوایل دوران محمود احمدی‌نژاد و از طریق به کار بستن سیاست «مخدوش سازی آمارها» از تعیین ضریب خط فقر در ایران سر باز زده است. این امر موجب شد تا هر ساله در هفته‌های پایانی که تشکل‌های حکومتی کارگران که در فقدان اتحادیه‌ها و سندیکاهای مستقل در جلسات «شورای عالی دستمزد» شرکت می‌کنند، قادر به ارائه مستندات درباره حجم باورنکردنی فقر جامعه کارگری در قالب آمارها و اعداد و ارقام رسمی نباشند. با این حال طی سال‌های اخیر، برخی از «کارشناسان» بر اساس فرمول‌هایی که دولت و کارفرمایان زیر بار آنها نمی‌روند، ارقام

گوناگونی بین 2.5 تا 3.6 میلیون تومان را به عنوان ضریب خط فقر در ایران معرفی کنند. در این میان اما پیشنهاد وزارت کار دولت حسن روحانی که از قضا یک چهره‌ی با سابقه‌ی امنیتی عهده‌دار اداره آن شده از همه جالب‌تر است: تعیین خط فقر بر اساس استاندارد بانک جهانی! آن‌طور که رسانه‌های ایران نوشته‌اند، احمد میدری، معاون «رفاه اجتماعی» دولت حسن روحانی و «اقتصاددان اصلاح طلب» بر این باور است که خط فقر برای هر نفر در ایران ماهانه تنها 250 هزار تومان است و یک خانوار 5 نفره کارگری به شرطی که درآمدشان زیر 1 میلیون و 250 هزار تومان باشد، «فقیر» محسوب می‌شوند. [27] سخنان میدری با خشم و ابراز نارضایتی‌های متعددی از سوی فعالان حکومتی جامعه‌ی کارگری همراه شد، اما هیچ کس از خود نپرسید که میدری بر اساس چه شاخصی، رقم خنده دار 250 هزار تومان درآمد ماهانه را ملاک تعیین خط فقر در ایران آن‌هم در دورانی که نرخ برابری ریال و دلار به پایین‌ترین میزان در طول تاریخ رسیده، قرار داده است. شاید آن‌ها نمی‌دانستند که مبنای خط فقر تعیین شده از سوی آقای معاون، نه نسبت تورم به درآمد، که گزارش سال 2011 صندوق بین‌المللی پول درباره تولید ناخالص داخلی کشورهاست که طی آن تغییر الگوی «قدرت خرید» از سال 2005 تا 2010، از 1.25 دلار به 2.5 دلار مبنای تعیین خط فقر قرار گرفته‌است. [28] طنز تلخ ماجرا اما آن‌جاست که حتی نرخ فقر بی‌رحمانه صندوق بین‌المللی پول نیز، معیار تعیین دستمزد در ایران قرار ندارد و پایه حقوق کارگری سالانه بر اساس «لطف و کرم» کارآفرینان محترم 10 الی 15 درصد افزایش می‌یابد!

### 3-4- ادامه سیاست نفی سندیکا

مجموعه این فشارها بر نیروی کار ایران در حالی‌ست که از سال 59 تا کنون، امکان تاسیس هر گونه سندیکای مستقل کارگری که بتواند در برابر فشار فزاینده دولت و سرمایه، برخی از اقدامات اعتراضی مرسوم نظیر اعتصابات کارگری، راهپیمایی و ... سازماندهی کند، وجود ندارد. و بدین ترتیب، نیروی کار نه تنها امکان سازماندهی توان تاثیرگذاری خود را به لطف سال‌ها سرکوب سازمان‌یافته از دست داده، بلکه تشکل‌های حکومتی‌ای چون «خانه کارگر» و «شورای اسلامی کار» نیز نقش عامل سرکوب را برای تک و توک تلاش‌های سندیکالیست‌های ایرانی بازی کرده‌اند.

### 3-5- پاساژسازی، بانک زنی و پولشویی

به اعتراف معاون اول دولت حسن روحانی، حکومت ایران در فاصله سال‌های 84 تا 92، رقمی معادل کل درآمد نفتی یک دهه گذشته یعنی 703 میلیارد و 550 میلیون و 671 هزار و 100 دلار کالا به کشور وارد کرده است. جالب آن‌که این حجم بی‌سابقه از واردات که عمده آن را کالاهای لوکس مورد مصرف طبقه حاکم تشکیل می‌دهد در شرایطی صورت گرفته که ایران در معرض شدیدترین تحریم‌های اقتصادی بوده است. این رویه با افزایش 38 درصدی و بدون هر گونه تغییری در دولت حسن روحانی پی‌گرفته شده به طوری که در 10 ماهه منتهی به بهمن ماه سال 93، ارزش کالاهای وارداتی به بیش از 43 میلیارد دلار رسیده است. [29]

واردات این حجم از کالا در حالیکه دولت حسن روحانی خود را متعهد به «بهبود فضای کسب و کار» می‌داند، اما عملاً مجری سیاستی است که نمی‌توان آن را چیزی جز «بهبود بستر بورژوازی کمپرادور» دانست.

به نوشته بانک‌های اطلاعات شهری تهران، هم اکنون بیش از 50 مرکز خرید بسیار بزرگ (مال و هایپر مارکت) تنها در شهر تهران دایر شده و قریب به همین میزان در حال ساخته شدن است.

تعداد «نمایندگی»های فروش کالاهای لوکس، نمایشگاه‌های خودروهای 500 میلیونی الی 2 میلیاردی، خانه‌ها و ویلاها و برج‌های چند ده میلیاردی (در تهران خانه‌ای به قیمت 180 میلیارد تومان (30) متعلق به علی انصاری مدیرعامل بانک «تات» و «آینده» شناسایی شده است) سر به فلک گذاشته است و این تازه در شرایطی است که ایران زیر تحریم‌های شدید بین‌المللی است.

هم‌چنین در همین دوران تحریم‌های بین‌المللی، و تنها در کمتر از 10 سال 23 بانک خصوصی و 24 موسسه مالی اعتباری در ایران تاسیس شده که آمار مشخصی از میزان دارایی‌های تحت تملک آن‌ها در دسترس نیست.

این اطلاعات جسته و گریخته نشان می‌دهند که صرفنظر از شعارهای تبلیغاتی درباره «اقتصاد مقاومتی» و ... ما با یکی از گسترده‌ترین بسترسازی‌ها برای گردش سرمایه غیرمردمی در ایران مواجهیم که کافیست احمق یا عضو تحریریه «مهرنامه» نباشیم تا بدانیم نتیجه آن هر چه که باشد «بهبود فضای کسب و کار» نخواهد بود.

## مؤخره

مجموعه این اقدامات، در کنار بازگذاشتن دست کارتل‌های رسانه‌ای «جلد قرمز» در چپ‌ستیزی و ترویج ادبیات چپ‌هراسانه - آن‌هم در شرایطی که گفتار چپ بار دیگر در غرب جان گرفته است -، تلاش کارچاق‌کن‌های سیاسی اصلاح طلب برای هم‌سرشت نشان دادن دلوپسان حکومتی و منتقدان سیاست‌های نئولیبرالیستی حکومت، حضور بیش از ده مقام امنیتی در راس وزارتخانه‌ها و نهادهای اجرایی و خدماتی، سکوت در برابر ادامه فضای امنیتی در کشور، ترویج «فرهنگ خلیجی» مصرف کالاهای لوکس از طریق بها دادن به باندهای فرهنگی زرد و ...، جملگی مختصات نیت- ماموریت دولت را پس از توافق اتمی نشان می‌دهند.

طبقه متوسط مستأصلی که در سال 92، «وجدان» و «توان سیاسی» خود را به دال «اعتدال» پیوند زد، هم‌اکنون خود را برای برپایی یک جشن خیابانی دیگر آماده می‌کند. در این جشن قرار است برای تسکین عذاب وجدان ناشی از مشارکت در تثبیت وضع موجود، بار دیگر شعار «زنده باد اعتدال» سر داده شود و احتمالاً بخشی از جمعیت هیجان زده برای ابراز رضایت از تیم مذاکره کننده هسته‌ای به استقبال مسافران «پرواز نجات» به فرودگاه برون و پروپاگاندا کارتل‌های رسانه‌ای «برو بچه‌های اتاق» تمامی منتقدان دولت را کیش و مات کند، و همه چیز برای خلق «حماسه سیاسی دوم» یعنی فتح کرسی‌های مجلس دهم فراهم شود.

عبور از این مرحله اجتناب‌ناپذیر است و تردیدی نیست که باید از آن استقبال کرد. توافق اتمی اگرچه که ده‌ها مرتبه بیشتر از دوران قبل از تحریم‌ها، راه را برای هارترین شکل ادغام تمام و کمال ایران در چرخه سرمایه جهانی هموار خواهد کرد، اما در عین حال می‌تواند انزوای دو چندان شده‌ی جامعه ایرانی در ارتباط با مناسبات سیاسی- فرهنگی بیرون از مرزهای ملی را تا حدی کاهش دهد و هسته سخت و سترون شده روابط قدرت را تا حدی بشکافد.

.....

\*جالب آن که دولت قصد افزایش قیمت برق تا سقف 60 درصد از هزینه تولید را داشته که مجلس با این پیشنهاد موافقت نکرده است و در مقابل، وزارت نیرو نیز جدول خاموشی‌های خود را برای تابستان ارائه کرده است.

### پانویس‌ها:

- [1]- گزارش رسمی سازمان خصوصی‌سازی- روزنامه اطلاعات- 15 بهمن 1393
- [2]- گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام- سایت خبرآنلاین- 16 فروردین 1392
- [3]- سخنرانی محمدباقر نوبخت در همایش سراسری جوانان و هواداران حزب اعتدال و توسعه- سایت عصر ایران- 30 بهمن 1393
- [4]- متن کامل بسته پیشنهادی دولت برای شکستن رکود و رونق اقتصادی- خبرگزاری مهر- 22 تیر 1393
- [5]- نگاه کنید به مقاله‌ی «اعتدال به مثابه وجدان»- در سایت «تیز یازدهم» به قلم آرش ویسی و رحمان بوذری
- [6]- سخنرانی اسحاق جهانگیری در یک مراسم دولتی- سایت فرارو- 21 بهمن 1393
- [7]- حمید تهرانیفر، معاون نظارتی بانک مرکزی- خبرگزاری ایسنا- 30 خرداد 1393
- [8]- محمدباقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور- خبرگزاری تسنیم- 27 اسفند 1393
- [9]- جزئیات تازه از پرونده بانکی 6500 میلیارد تومانی- خبرگزاری فارس- 3 اسفند 1393
- [10]- رسول خضری عضو هیات رئیسه کمیسیون بهداشت و درمان مجلس- خبرگزاری ایسنا- 23 تیر 1393
- [11]- عیسی کلانتری، مشاور حسن روحانی- روزنامه شهروند- 23 شهریور 1393
- [12]- گزارش سازمان جهانی برنامه توسعه انسانی- سایت باشگاه خبرنگاران خجوان- 18 آذر 1393
- [13]- آیا رییس جدید بانک مرکزی از اختلاس 123 میلیاردی درس گرفته؟- سایت شفاف- 2 شهریور 1392
- [14]- ولی الله سیف- مصاحبه مطبوعاتی- خبرگزاری مهر- 3 شهریور 1392
- [15]- نگاه کنید به گفت‌وگوهای پدram سلطانی؛ نماینده طیف به ظاهر «نوگرا» و اسدالله عسگرآولادی؛ سرکرده «ستتی‌ها» در اتاق بازرگانی درباره قیمت دلار با سایت خبرآنلاین(6 دی 1393) و خبرگزاری فارس(26 اسفند 1393)
- [16]- دیدار رییس سازمان توسعه تجارت ایران با «سونگ وونگ یئوب» سفیر کره جنوبی و روسای نمایندگی شرکت‌های ال.جی و سامسونگ در ایران- سایت خبرآنلاین- 18 تیر 1393
- [17]- همان

- [18]- سایه روشن اقتصاد ایران در سال 94- داوود دانش جعفری عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام- روزنامه آرمان-11 اسفند 1393
- [19]- محمدمهدی مفتاح، سخنگوی کمیسیون تلفیق لایحه بودجه کل کشور سال 94- خبرگزاری ایسنا-30 دی 1393
- [20]- علی عسگری آزاد، رییس سازمان امور مالیاتی-خبرگزاری ایرنا-29 بهمن 1393
- [21]- محمداقرا الفت، معاون پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه-خبرگزاری تسنیم-10 اسفند 1393
- [22]- علی عسگری آزاد، رییس سازمان امور مالیاتی- سایت مالی پرس -18 اسفند 1393
- [23]- محمد رضا پور ابراهیمی، نائب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس- سایت تابناک-12 آذر 1393
- [24]- آرش فراز، بیرکل مجمع عالی نمایندگان کارگران ایران- خبرگزاری مهر- 29 آبان 1392
- [25]- اجرای آزمایشی طرح «نظام استاد - شاگردی نوین» در بنگاه‌های مسکن-سایت شبکه صما-5 اردیبهشت 1392
- [26]- تجمع کارگران در اعتراض به تغییر قانون کار در برابر مجلس- خبرگزاری ایلنا-20 دی 1393
- [27]- احمد میدری، معاون رفاه اجتماعی وزارت کار-سایت تامین 24- 17 اسفند 1393
- [28]-World Economic and Financial Surveys-سایت رسمی صندوق بین‌المللی پول- سپتامبر 2011
- [29]-بهرام بیرانوند، عضو کمیسیون کشاورزی و منابع طبیعی- روزنامه راه مردم-18 اسفند 1393
- [30]-مالک این قصر در شمال تهران کیست؟- صراط نیوز- 2 خرداد 1390

